

راه کارهای تربیت جنسی فرزندان در خانواده

سمیه سادات فاضلی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی، راهکارهای تربیت جنسی فرزندان در خانواده را بررسی می‌کند. پس از بیان و توضیح مفهوم تربیت، تربیت جنسی و جنسیت، تفاوت تربیت جنسی و آموزش جنسی و راهکارهای خانواده در تربیت جنسی، راه‌های کنترل میل جنسی بیان می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تنها جایگاهی که نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت جنسی جوانان و نوجوانان دارد نهاد خانواده است. پدر و مادر می‌توانند فرزندان را در اصول و روش‌های تربیت جنسی و دوری از آلودگی‌های جنسی کمک کنند.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت جنسی، جنسیت، آموزش جنسی.

۱. مقدمه

یکی از مهمترین مسائلی که والدین باید در مورد تربیت فرزندان به آن توجه کنند تربیت جنسی است. این نوع تربیت، یکی از دشوارترین و حساس‌ترین انواع تربیت‌هاست که اندک اشتباه و غفلتی در این باره، ممکن است کودکان را به وادی فساد و تباهی بکشاند. (امینی، ۱۳۶۸، ص ۳۳۷) یکی از غرایزی که خداوند در وجود همه انسان‌ها قرار داده، غریزه جنسی است. این غریزه از ابتدای تولد تا سن بلوغ، غیرفعال است. وقتی کودک به سن بلوغ می‌رسد، این میل و غریزه خفته بیدار می‌شود و اگر نتوان آن را

۱. دانش‌پژوه کارشناسی مطالعات زنان از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه رضی الله عنه، قم، ایران.

مه‌ار کرد باعث انحرافات جنسی می‌شود. خانواده و والدین، مهم‌ترین افرادی هستند که می‌توانند نوجوان را از این مسیر خطرناک دور کنند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. تربیت

تربیت از ریشه ربا، یربو و به معنی رشد کردن، برآمدن، قد کشیدن و بالیدن است. ابن منظور در لسان‌العرب می‌گوید: «رَبَا الشَّيْءُ يُرَبُّوْهُ وَرَبَاءٌ زَادٌ وَنَمَاءٌ؛ چیزی رشد کرد و افزوده شد» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۰۵/۱۴). تربیت یعنی، فراهم کردن زمینه‌های لازم تا به تدریج، استعداد‌های انسان شکوفا شده، به فعلیت درآمده و به سوی حد نهایی و کمال خود برسد. تربیت به معنی رفع موانع و ایجاد مقتضیات است برای آنکه استعداد‌های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۲۴).

۲-۲. جنس

گاهی از جنس، معنای عام اراده می‌شود و به تفاوت‌های جسمی و روانی دو جنس مخالف اشاره دارد. برای مثال وقتی می‌گویند که هوش کدام یک از پسر و دختر بیشتر است؟ در این موارد، مطلق جنسیت مورد نظر است. گاهی معنای خاصی از واژه جنس اراده می‌شود. مثل غریزه جنسی، کارکرده، بلوغ جنسی، آموزش جنسی و رشد جنسی. (ثابت، ۱۳۸۷، ص ۴۴)

۲-۳. جنسیت

این مفهوم برخلاف مفهوم جنس که به تفاوت‌های بیولوژیکی میان مرد و زن اشاره دارد بر سیما‌های اجتماعی تفاوت‌های جنسی میان مرد و زن تأکید می‌کند. جنسیت در همه سطوح جهان اجتماعی دیده می‌شود. جنسیت، شکل دهنده شیوه اندیشیدن درباره خود و برقراری ارتباط با دیگران است و تأثیر زیادی در تعیین نوع کار و زندگی خانوادگی افراد دارد، اما مفهوم جنسیت، چیزی بیشتر از تفاوت‌های ژنتیکی میان مرد و زن است. جنسیت، تعیین‌کننده مراتب اجتماعی است؛ زیرا در بیشتر جوامع، مردان بخش عمده منابع اجتماعی را تحت کنترل خود دارند. پس جایی که جنس می‌تواند مذکر یا مؤنث باشد جنسیت به معنی اجتماعی مردانگی و زنانگی است. (عضدانلو، ۱۳۸۸، ص ۲۴۷)

فعالیت هورمون‌های جنسی در زمان بلوغ افراد تشدید می‌شود و ویژگی‌های جنسی ثانویه را در زن و مرد ایجاد می‌کند. ترشح تستسترون در مردان، باعث رشد اندام‌های تناسلی، تغییر شکل بدن، پهن شدن شانه‌ها و رشد قفسه سینه، تغییر در رویش مو در سر و بدن، رشد حنجره و تارهای صوتی و بهم شدن صدا و افزایش میل جنسی و... است. (حائری روحانی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۰) هورمون‌های استروژن و پروژسترون در زنان نیز علاوه بر ایجاد ویژگی‌های جنسی ثانوی، باعث آمادگی رحم برای بارداری شده و دوره ماهانه جنسی را تنظیم می‌کنند. ویژگی‌های جنسی ثانویه‌ای که توسط استروژن‌ها در دوره بلوغ در دختران ایجاد می‌شوند عبارتند از: رشد سینه‌ها، لگن و رحم و ذخیره چربی در نواحی مختلف بدن و... (حائری روحانی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۱). واژه جنسیت در ادبیات جدید، برای اشاره به ویژگی‌هایی است که در نتیجه تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی در هر یک از دو جنس مرد و زن به طور متفاوت بروز می‌کند و واژه جنس، ویژگی‌های زیست‌شناختی متفاوت مرد و زن است (بستان، ۱۳۷۸، ص ۳).

۲-۴. تربیت جنسی

تربیت جنسی یعنی، زمینه‌ها و عوامل مربوط به مسائل جنسی طوری فراهم شود که استعدادها و شخصی در جهت کمال اختیاری فرد، شکوفا شده و او را برای رسیدن به کمال مطلوب یاری کند. هدف از تربیت جنسی، دستیابی فرد به آگاهی‌ها، عادات و آدابی درباره چگونگی اعمال و ارضای گزینه جنسی است که او را برای رسیدن به رشد و هدف مطلوب یاری کند. (ثابت، ۱۳۸۷، ص ۴۴) تربیت جنسی یعنی، فراهم کردن زمینه رشد گزینه جنسی به صورتی که با استفاده لازم از این گزینه از انحراف‌ها و لغزش‌های جنسی نیز پیشگیری شود (فقیهی، ۱۴۲۹، ص ۲۰).

۲-۵. آموزش جنسی

آموزش جنسی یعنی، ارائه اطلاعات کلی صحیح درباره وقایع و تغییرات جسمی و روانی بلوغ و راهنمایی نوجوانان در رفتار و کردار آنها در این سن نسبت به خود و دیگران و شیوه ابراز علاقه و دوستی‌های معقول و جلوگیری از انحراف. (شرفی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۳)

۳. تفاوت تربیت جنسی و آموزش جنسی

استاد مرتضی مطهری می‌فرماید: «تربیت، پرورش دادن و به‌فعلیت درآوردن استعداد‌های درونی بوده که بالقوه در یک شیء موجود است. (مطهری، ۱۳۷۲، ۷۱۵/۲۲) آموزش، هر فعالیت یا تدبیر از پیش طرح‌ریزی شده‌ای است که هدف آن، ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است (سیف، ۱۳۷۲، ص ۱۵۰). باید دانست که تربیت، آموزش را هم شامل می‌شود، پس تربیت، اعم از آموزش است؛ زیرا برای هر تربیتی به آموزش نیاز است، اما برای هر آموزشی به تربیت نیاز نیست. آموزش مقدمه تربیت است و برای اینکه شخصی تربیت شود باید مسائلی را به او آموزش داد (بستان، ۱۳۷۸، ص ۴۳). بنابراین، تربیت جنسی دایره‌ای وسیع‌تر از آموزش جنسی دارد.

۴. بلوغ یا بحران نوجوانی

دگرگونی‌های دوران بلوغ، نوجوانان را با مشکلات و دشواری‌های زیادی روبه‌رو می‌کند. این مشکلات در جوامع معاصر بیش از گذشته است و ممکن است سلامت و بهداشت روحی نوجوان را تحت تأثیر قرار دهد. این حالت را بحران نوجوانی نامیده‌اند. از نظر فروید، نوجوانی دوران نضج جنسی و برهه تحمل دشواری‌های زندگی جنسی است. اریک فروم و اریکسون نیز از بحران نوجوانی، تفسیر و تحلیلی عرضه کرده‌اند که از مطالعه مجموع آنها مشخص می‌شود که روان‌شناسان و روانکاوان به تلازم میان بحران و نوجوانی نگرش همسانی ندارند. (رفیعی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲)

۵. راه‌کارهای خانواده در تربیت جنسی در سنین جوانی و نوجوانی

خانواده اولین جایگاهی است که می‌تواند رشد جنسی را از دوران کودکی تا جوانی به‌طور طبیعی و سالم پیش برد البته اگر محیط خانواده، محیطی آرام و بدون علامت‌های جنسی باشد. در غیر این صورت، باعث بروز انحراف‌های جنسی، بلوغ زودرس و ناهنجاری می‌شود. محیط خانواده نقش مهمی در شکل‌گیری صحیح شخصیت کودک از جمله در زمینه جنسی دارد. روابط پاک و بی‌آلایش میان والدین سبب می‌شود که کودکان از آنها تقلید کنند و وقتی که بزرگ شدند این سنت را در خانواده

نگه دارند و نصیحت‌های پدر و مادر را به کار برده و افراد لایق و شایسته‌ای باشند. (بستان، ۱۳۷۸،

ص ۹۲)

۵-۱. آموزش صحیح مسائل جنسی

یکی از مسائلی که انسان‌ها با آن مواجه هستند مسئله غریزه جنسی است. این غریزه به صورت نیاز در انسان بروز می‌کند، پس باید به گونه‌ای صحیح آن را ارضا کرد. اگر انسان در زمینه مسائل جنسی درست تربیت نشده باشد برای ارضای این نیاز به راه‌هایی توسل می‌جوید که خود و جامعه را به تباهی و فساد می‌کشاند. صلاح و فساد خانواده و جامعه، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند به گونه‌ای که روابط سالم در یکی از آنها در دیگری نیز تأثیر دارد، پس در خانواده‌هایی که تربیت جنسی محقق باشد روابط دوستانه و صمیمی بین اعضای آن برقرار است. (بستان، ۱۳۷۸، ص ۱۳۵) اگر خانواده، فرزندان را از امور جنسی آگاه نکند جوان و نوجوان آمادگی مقابله با انحراف‌های جنسی و پیامدهای ناشی از آن را نخواهد داشت.

برخی گمان می‌کنند که راه سعادت فرزندان در افزایش سطح اطلاعات علمی و دانش آنها نهفته است. آنها راه افراط پیموده و هر نوع آموزش و اطلاع‌رسانی جنسی به کودک و نوجوان را مفید و لازم شمرده‌اند. این گروه نمی‌دانند که آموزش مسائل جنسی بدون در نظر گرفتن آمادگی متری برای چنین آموزشی موجب لغزش و انحراف جنسی خواهد شد. گروهی آموزش مسائل جنسی را به شدت نهی کرده و بر این باور هستند که غریزه جنسی امری طبیعی بوده و به آموزش نیاز ندارد. این گروه معتقدند که یاد دادن مسائل جنسی به کودک یا نوجوان، زمینه انحراف و لغزش او را فراهم می‌کند. گروهی دیگر نیز برای اینکه به افراط و تفریط گروه‌های قبل گرفتار نشوند راه معتدلی برگزیده و گفته‌اند که باید مقداری اطلاعات درباره مسائل جنسی به کودک و نوجوان ارائه داد. صاحب‌نظران مسلمان به دلیل توجه به دستورات دینی در این دسته قرار گرفته‌اند. (بستان، ۱۳۷۸، ص ۱۶۷)

۵-۲. آگاهی از تحول جنسی

شناخت مراحل رشد و آگاهی کودکان به مسائل جنسی برای ارتباط با آنها ضروری است. رشد جنسی به سه دوره تقسیم می‌شود:

- دوره خردسالی که کودکان زیر ۶ سال را شامل می‌شود. در این سنین، کودکان شناختی کلی از جنسیت پیدا می‌کنند؛
- مرحله دوم، مرحله کودکی از ۶ تا ۱۲ سالگی است که هویت جنسی در کودکان شکل می‌گیرد؛
- مرحله سوم از ۱۲ تا ۱۸ سالگی یعنی، دوره نوجوانی است و بلوغ هم با تفاوت‌هایی در این سنین صورت می‌گیرد.

سؤال‌های جنسی کودکان بیشتر از سنین سه تا چهار سالگی آغاز می‌شود. آنها نیازمند اطلاعات صحیح بوده و سؤال‌های خود را تا رسیدن به جواب قطعی و به بهانه‌های مختلف تکرار می‌کنند. والدین ناآگاه در این موارد به دو صورت با کودک برخورد می‌کنند: یکی اینکه جوابی به این سؤال‌ها نمی‌دهند و یا اینکه ذهن کودک را با انبوهی از اطلاعات پر می‌کنند. برای ارائه اطلاعات جنسی به کودکان دو قاعده کلی وجود دارد: یکی کشف و درک آنچه کودکان می‌دانند و نحوه نگرش آنها به مسائل جنسی و دیگری صداقت در بیان مطالب. سه مانع اساسی در بیان مسائل جنسی به کودکان و نوجوانان با در نظر گرفتن این سه محور باید صورت بگیرد: الف) آموختن و ادراک حقیقت‌ها و عواقب ناشی از فعالیت‌های جنسی به‌ویژه در نوجوانان؛ ب) ارائه چارچوبی از ارزش‌های مذهبی، اجتماعی و خانوادگی به نوجوانان در مورد ارتباط و فعالیت‌های جنسی؛ ج) آموختن این نکته به نوجوانان که کجا و در کدام موقعیت‌ها باید امیال و هیجان‌های جنسی خود را بروز دهند. مناسب‌ترین زمان برای آموزش مسائل جنسی به کودک زمانی است که کودک سؤال‌ها را مطرح می‌کند. در این هنگام حس کنجکاوی کودک برانگیخته شده و باید به بهترین شکل از آن به نفع خود او استفاده شود.

در مورد تربیت جنسی نوجوانان و جوانان، والدین دو وظیفه کلی و اساسی دارند. یکی اینکه آنها را با حقایق صحیح جنسی بیولوژیک آشنا کنند تا فرزندان بدانند که دستگاه‌های جنسی چگونه کار



می‌کنند و تأمین بهداشت آنها چگونه امکان‌پذیر است. اگر والدین، کودکان را برای این مرحله آماده نکرده باشند اضطراب و افسردگی به سراغ آنها می‌آید و حتی باعث خودکشی نیز می‌شود. (اسماعیلی، ۱۳۸۱، ص ۷۶) والدین باید به فرزندان آموزش دهند که چگونه میل جنسی خود را با توجه به ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه ارضا کنند تا از انحراف و پیدایش اضطراب و عوارض روانی دیگر در امان باشند (فقیهی، ۱۴۲۹، ص ۱۳۱).

۳-۵. پرورش هویت جنسی

منظور از هویت جنسی، پذیرش ویژگی‌های زیستی، شناختی، عاطفی و اجتماعی هر یک از دختر و پسر است که به صورت متفاوت در دو جنس دیده می‌شود. (فقیهی، ۱۴۲۹، ص ۱۰۵) خانواده، اولین و مهمترین منبع اطلاع‌رسانی به فرزندان در زمینه ویژگی‌ها و رفتارهای جنسی است. والدین می‌توانند به صورت مستقیم و غیرمستقیم تصویر درست، مشخص و شفافی از این رفتار و روابط را به فرزندان خود ارائه دهند. مادری که به زن بودن خود افتخار کند و هویت زنانه خود را بپذیرد به بهترین شکل می‌تواند احساس زیبایی زن بودن را به دختر خود منتقل کند.

اگر در این سن به هر علتی، پدر حضور فیزیکی و معنوی مثبت در خانه و زندگی پسرش نداشته باشد یا پدر و مادر از هم طلاق گرفته باشند و به جای پدر، جانشین مناسب مردانه‌ای مثل عمویا دایی در زندگی پسر نباشد پسر ناخودآگاه به سمت مادر گرایش پیدا کرده و با او همانندسازی می‌کند و خصوصیات و ویژگی‌های زنانه در او تقویت می‌شود. بنابراین، در آینده رفتار مردانه نداشته و از جنسیت خود راضی نخواهد بود. اگر دختری در سن همانندسازی به هر علتی از نعمت داشتن مادر بی‌بهره مانده و هیچ جانشینی به جای مادرش نداشته باشد با پدر همانندسازی می‌کند. بنابراین، از همان ابتدا علاقه به بازی با پسران، حضور در جمع‌های پسرانه و تمایل به فعالیت‌ها و کارهای مردانه دارد.

عوامل زیستی، روانی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و حتی نگرش‌های والدین، گرایش‌های فرهنگی آنها و نوع تربیت و برخورد آنها با پسر و دختر در شکل‌دهی هویت فرزند مؤثر است، پس لازم است که

بینش و عملکرد والدین از این امر حکایت کند که هیچ جنسیتی بر دیگری برتری ندارد و هر دوی آنها ارزشمند بوده و هر یک برای تکامل و پیشرفت به دیگری نیازمند است. پدر و مادر باید نقش جنسیتی هر یک از فرزندان دختر و پسر را به آنها آموزش دهند تا هویت جنسی آنها تقویت شود. برای مثال دختر یا پسر باید بدانند که جامعه از هر یک از آنها چه انتظاری دارد و هر یک باید از نظر رفتاری، گفتاری، پوشاک و... چگونه رفتار کنند و از اجرای نقش‌های جنس دیگر خودداری کنند. پدر و مادر باید از هر نوع تبعیض بین فرزندان دختر یا پسر خودداری کنند. (فقیهی، ۱۴۲۹، ص ۱۰۵) از جمله اهداف تربیت جنسی پیدا کردن شناخت درست از هویت جنسی خویش است. تربیت باعث می‌شود که فرد شناخت و انتظار درستی از هویت جنسی خود پیدا کند که مطابق با توانایی‌های جنسیتی‌اش باشد (فقیهی، ۱۴۲۹، ص ۱۴۹).

۶. راه‌های کنترل میل جنسی

۱-۶. تقویت ایمان

یکی از مبانی تربیت جنسی تمایل فطری به معنویت است. بر این اساس است که انسان به سوی خدا و کمالات اخلاقی گرایش پیدا می‌کند و در این مسیر، توانمندی‌های دیگر را نیز به کار می‌گیرد. هدف نهایی تربیت جنسی، تحقق هویت معنوی انسانی و پرورش کمالات اخلاقی است که هویتی خداگونه بوده و مال آن قرب الی‌الله است. (فقیهی، ۱۴۲۹، ص ۲۶) پدر و مادر باید زمینه تقویت ایمان فرزندان را با مناسک عبادی مانند نماز، روزه و دعا فراهم کنند تا توجه آنها را از امیال جنسی به سمت معنویت جلب کنند.

۲-۶. نماز

خداوند متعال نماز را مهمترین عامل بازدارنده گناه می‌داند و می‌فرماید: «ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر». خداوند متعال با برقراری مقررات دینی، انسان‌ها را در حیطه شرع محدود کرده و از طغیان غریزه باز می‌دارد. یکی از مهمترین مقررات دینی، ارتباط خلق و خالق یعنی، نماز و عبادت است. قرآن، نماز را عامل بازدارنده از گناه می‌داند و می‌فرماید: «و نماز را به جای آر که همانا نماز است که از هر کار

زشت و منکر باز می‌دارد و همانا ذکر خدا بزرگ‌تر است و خدا به هر چه کنید، آگاه است» (عنکبوت: ۴۵).
نماز از جمله راهبردهای کنترل مثبت و یکی از روش‌های درمانی است (آجدانی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳).

۳-۶. روزه

از برکات و پیامدهای مثبت روزه آن است که در انسان، حالت انکسار و شکستگی ایجاد کرده و زمینه ارضای نادرست شهوت را از بین می‌برد. رسول خدا ﷺ در مورد نقش گرسنگی در پیشگیری از نفوذ شیطان فرمود: «ان الشیطان لیجری من ابن آدم مجری الدم فضیقوا مجاریه بالجوع؛ شیطان همچون خون در شریان‌های فرزند آدم جریان دارد، پس راه‌های نفوذ او را با گرسنگی تنگ کنید. بنابراین، نفس گرسنگی در مهار غرایز گوناگون و از جمله غریزه جنسی مؤثر است» (حسین‌خانی، ۱۳۸۷، ص ۴۷).

۴-۶. پرورش حیا

یکی از مفاهیم کلیدی در نظام اخلاقی جنسی، مفهوم حیاست. حیا از ویژگی‌های فطری انسان است؛ یعنی بدون اینکه کسی آن را به انسان یاد دهد او به‌طور فطری از انجام رفتارهای زشت خجالت می‌کشد. کاربرد این مفهوم به حوزه اخلاق جنسی محدود نمی‌شود بلکه به تعبیر مرحوم راغب، هر فعلی که باید ترک شود را شامل می‌شود، اما بیش از هر حوزه‌ای در امور جنسی کاربرد دارد. (متقی‌فر، ۱۳۸۹، ص ۳۹) محور بازدارندگی از فعل گناه در حیا، ادراک حضور ناظر محترم و حفظ حرمت او است. با این وصف، فرق حیا، تقوا و خوف مشخص می‌شود. در تقوا و خوف، محور بازدارندگی، درک قدرت خدا و ترس از مجازات او است، اما در حیا، محور بازدارندگی، ادراک حضور خداوند متعال است (دیلمی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۶).

قرآن مجید در داستان آفرینش آدم و حوا به تلاش آنها برای پوشاندن عورت خود اشاره کرده و می‌فرماید: «چون از آن درخت تناول کردند زشتی‌هایشان بر آنان آشکار شد و بر آن شدند که از برگ درختان بهشت خود را بپوشانند». (اعراف: ۲۲) از این آیه معلوم می‌شود که حیا و پوشش امری فطری است؛ زیرا کسی به آدم و حوا یاد نداد که در آن حال، عورت خود را بپوشانند و شرم داشته باشند. حیا

یکی از مظاهر ایمان است تا جایی که در بعضی از روایت‌ها آمده است که حیا شعبه‌ای از ایمان است. «لا ایمان لمن لاحیاء له؛ هر کس حیا نداشته باشد، ایمان ندارد» (ری شهری، ۱۴۱۹، ص ۷۱۷).

پرورش حجب و حیا را نباید کوچک شمرد؛ زیرا این مسئله از جنبه‌های جدی در تربیت جنسی است. با تشکیل این صفت در انسان، احساس عمیق احترام و عفت در برخورد با جنس مخالف آغاز می‌شود. یکی از موانع پیدایش حیا و شرم در میان فرزندان شیوه نادرست زندگی و معاشرت در خانه است. گفتار و کردار افرادی که در یک محل زندگی می‌کنند نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت و یا تضعیف و نابودی حجب و حیا در فرزندان دارد. برای مثال، نوع خوابیدن افراد خانواده به‌ویژه اگر فرزندان یا والدین در یک بستر بخوابند یا سخنانی که میان آنان رد و بدل می‌شود و سخنان عاشقانه‌ای که والدین با یکدیگر دارند، رابطه زیادی با حجب و حیا فرزندان دارد. (ثابت، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰)

فرو ریختن پایه‌های حیا سبب می‌شود که انسان از انجام عمل زشت متأثر نشده و گستاخ و بی‌باک در حضور دیگران اعمال قبیح انجام دهد. همچنین باعث می‌شود که انسان خطای بزرگ را کوچک بشمرد، بر انجام گناه اصرار ورزد، از فعل قبیح خود راضی و خرسند بوده و از آن لذت ببرد و حتی به انجام خطا تجاهر کرده و به آن افتخار کند؛ یعنی آشکارا گناه خود را برای مردم بازگو کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اهل تجاهر را بدترین مردم دانسته است. (پسندیده، ۱۳۸۵، ص ۳۴۶) فلسفه حیا، شرم کردن از کارهای زشت و کنترل غریزه جنسی است. غریزه جنسی، توفنده‌ترین غریزه در انسان است که در درجه اول نیازمند پاسخ‌گویی صحیح بوده و در درجه دوم به کنترل قطعی نیاز دارد (حرزاده، ۱۳۸۵، ص ۷۳).

۶-۵. پرورش غیرت

غیرت در لغت به معنی ناموس پرستی و رشک بردن است. به انسان بسیار غیرتمند و ناموس پرست، غیور می‌گویند. (عمید، ۱۳۶۳، ص ۸۹۶) غیرت در اصطلاح، صفتی است که انسان را به دفاع از دین و آیین، عرض و ناموس و مال و کشور وادار می‌کند. این واژه در مواردی به کار می‌رود که چیزی، حق اختصاصی شخص یا گروهی است و دیگران می‌خواهند حریم آن را بشکنند و صاحب آن به دفاع شدید

برمی خیزد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۴۳۱/۳). غیرت یکی از بهترین صفات مرد است؛ زیرا باعث ممانعت از رواج فساد و ناهنجاری های رفتاری جنسی در جامعه می شود. غیرت مرد به همسر به معنای برعهده داشتن حفظ منافع او است.

وقتی فرزندان ببینند که پدر، عمو، برادر و دایی، نسبت به دین و ناموس خودشان بی تفاوت نبوده و غیرت دارند این رفتار تأثیر خودش را گذاشته و باعث پرورش غیرت، کرامت، عزت نفس و آلوده نشدن به برخی از رفتارهای نابهنجار جنسی در نوجوانان و جوانان می شود. شهید مطهری می گوید: «انسان غیور همان طور که راضی نمی شود دامن ناموس خودش آلوده شود، راضی نمی شود دامن ناموس اجتماع هم آلوده شود» (مطهری، ۱۳۷۲، ۴۱۶/۱۹). اگر انسان ها تجاوز به ناموس دیگران را تجاوز به ناموس خود بدانند یعنی، بر این باور باشند که اگر به ناموس دیگران تجاوز کنند به ناموس آنها تجاوز می شود خود را به گناه آلوده نمی کنند و غیرت، آنها را از گناه باز می دارد (متقی فر، ۱۳۸۹، ص ۴۷).

۶-۶. آموزش احکام محرم و نامحرم

شناخت صحیح احکام الهی عنصری مهم در تربیت دینی فرزندان است. اگر جامعه بخواهد که دختران و پسران در زمان بلوغ مشکلی نداشته باشند و با نقش خاص خود به عنوان دختر یا پسر آشنا شوند باید از همان ابتدا به طور جداگانه با آنها رفتار شود. این مسئله در مورد دختران اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا آنها زودتر از پسران به بلوغ می رسند. در تعالیم اسلامی توصیه شده است که از حدود ۶ سالگی با دختر و پسر به روشی جداگانه رفتار شود. در روایت های اسلامی توصیه شده است که دختر بچه شش ساله را پسر بچه یا مرد نامحرم نبوسد و در بغل نگیرد. همچنین زن های نامحرم از بوسیدن پسر بچه ای که سنش از هفت سال گذشته است، خودداری کنند.

همین طور توصیه کرده اند که بستر کودکان در شش سالگی از هم جدا شود. رعایت این اصول باعث می شود که دختران و پسران از همان آغاز، به تدریج نقش مردانه و زنانه مناسب را پیدا کنند و برای بلوغ، آمادگی کافی داشته باشند. باید از دوران کودکی، زمینه رشد ویژگی های فطری دختر و پسر

در خانواده فراهم شود و هر یک از این دو در مسیری که آفرینش با تدبیری حکیمانه پیش پای آنها نهاده است سوق داده شوند. (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۱)

۶-۷. نظارت بر دوستان و دیگر عوامل

کودکان از هفت سالگی تحت تأثیر همسالان و دوستان خود هستند. این تأثیرپذیری در سنین نوجوانی و جوانی به بالاترین درجه خود می‌رسد تا حدی که گاهی تأثیرپذیری از دوستان، بیش از تأثیر خانواده می‌شود. بنابراین، والدین باید از ابتدا دقت کنند که کودک آنها در محیطی نباشد که زمینه انحراف او را فراهم کنند. (فقیهی، ۱۴۲۹، ص ۳۶۵) در اینجا نقش دوستان خوب و باایمان از دوستان فاسد و بی‌دین در مورد برخورد با رفتارهای جنسی نوجوان و جوان از هم متمایز می‌شود. با توجه به اینکه افراد منزوی، بیش‌تر در خطر آلودگی جنسی به‌ویژه خودارضایی هستند دوستان ناباب که از اسرار و خواسته‌های دوست نوجوان و جوان خود خبر دارند زمینه آلودگی جنسی نوجوان و جوان را فراهم می‌کنند. علاوه بر دوستان، والدین باید بر عوامل دیگر مانند کتاب، تلویزیون، مطبوعات، رایانه، ماهواره و ده‌ها عامل دیگر نظارت داشته باشند (ثابت، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹).

۶-۸. پرکردن اوقات فراغت

یکی دیگر از زمینه‌های انحراف نوجوانان و جوانان، اوقات فراغت است. اگر این اوقات با تفریح سالم، سرگرمی‌های متنوع و کارهای مفید پر نشود نوجوان و جوان آن را با رفتارهای نامشروع پر خواهد کرد. والدینی که فرزندان بی‌کار خود را برای ساعت‌های طولانی به حال خود رها کرده و سرگرم امور خودشان هستند زمانی پشیمان می‌شوند که دیگر سودی ندارد. کار و اشتغال در پیدایش و تقویت احساس و درک مسئولیت اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و عاملی بازدارنده از مفساد و آسیب‌های اجتماعی است، اما بیکاری، تنبلی و راحت‌طلبی از عوامل مؤثر در ایجاد فساد و نابسامانی‌های اجتماعی است. (فقیهی، ۱۴۲۹، ص ۳۷۲) امام صادق علیه السلام در حدیث مفضل می‌فرماید: «و هکذا الانسان لو خلا من الشغل لخرج من الأثر و العتب و البطر الی ما یعظم ضرره علیه و علی من قرب منه؛ و همین‌گونه انسان

اگر بی‌کار و فارغ باشد به بیهودگی و سرمستی دچار می‌شود و بر اثر آن به مسائلی مبتلا می‌شود که زیان آن، هم بر خود و هم بر نزدیکان او سنگینی خواهد کرد» (مجلسی، ۱۴۱۴، ۸۷/۳).

۶-۹. ازدواج

یکی از شیوه‌های جایگزین انحراف‌های جنسی که با توجه به آن می‌توان از انحراف جنسی پیشگیری کرد، ازدواج است. اسلام به این مورد بسیار سفارش دارد که والدین، زمینه‌های رضای نیاز جنسی فرزندان را از راه صحیح فراهم کرده و به ازدواج به موقع آنها توجه کنند. بی‌توجهی به این موضوع موجب می‌شود که فرزندی که تحت فشار غریزه جنسی است به راه‌های دیگری غیر از ازدواج روآورد و از این راه‌ها نیاز خود را تأمین کند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ یکی از حقوق فرزند را بر پدر، تزویج به موقع او می‌داند. کوتاهی در ازدواج فرزندان، والدین را در گناه انحراف اخلاقی فرزندان سهیم می‌کند. (آجدانی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳) رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «کسی که زمان ازدواج فرزندش فرارسد و امکان تزویج او را داشته باشد، ولی اقدام نکند چنانچه فرزند مرتکب گناهی شد او نیز در آن گناه شریک خواهد بود» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۴۰/۴).

۷. نتیجه‌گیری

نهاد خانواده نقشی اساسی و تعیین‌کننده در تربیت جنسی جوان و نوجوان دارد. پدر و مادر باید فرزندان خود را در اصول و روش‌های تربیت جنسی و سالم ماندن از آلودگی‌های جنسی کمک کنند. آموزش صحیح مسائل جنسی، پرورش حیا، پرورش غیرت، نماز و روزه، نظارت بر گروه همسالان، آموزش احکام زن و مرد، پرورش هویت جنسی، پر کردن اوقات فراغت و ازدواج از راهکارهایی است که از طریق آن خانواده‌ها می‌توانند به تربیت جنسی و تنظیم رفتار فرزندان خود بپردازند و تأییداتی بر این راهکارها در متون دینی قابل مشاهده است.

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: الهی قمشه ای، مهدی. قم: نشر فاطمه الزهرا.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
 ۲. آجدانی، نسرين، و طباطبایی، امین (۱۳۹۰). راه کارهای مقابله با انحرافات جنسی در قرآن کریم. نشریه بانوان شیعه، شماره ۲۷، ۱۸۳-۲۱۴.
 ۳. اسماعیلی، علی (۱۳۸۱). جوان، انگیزه و رفتار جنسی. تهران: لقاء النور.
 ۴. امینی، ابراهیم (۱۳۶۸). آیین تربیت. تهران: انتشارات اسلامی.
 ۵. بستان، حسین (۱۳۷۸). اسلام و تفاوت های جنسیتی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۶. پسندیده، عباس (۱۳۸۵). پژوهشی در فرهنگ حیا. قم: سازمان چاپ و نشر مؤسسه علمی فرهنگی درالحدیث.
 ۷. ثابت، حافظ (۱۳۸۷). تربیت جنسی در اسلام. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره).
 ۸. حائری روحانی، علی (۱۳۷۶). فیزیولوژی اعصاب و غدد. تهران: سمت.
 ۹. حرزاده، محمد مهدی (۱۳۸۵). حیا، زیبایی بی پایان. قم: شفق.
 ۱۰. حسین خانی، هادی (۱۳۸۷). هفت روش پیشگیری از انحرافات جنسی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
 ۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۷). سیری در تربیت اسلامی. تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
 ۱۲. دیلمی، احمد، و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۰). اخلاق اسلامی. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها.
 ۱۳. رفیعی، بهروز (۱۳۸۳). تربیت جنسی در اسلام. نشریه تربیت اسلامی، شماره ۸.
 ۱۴. ری شهری، محمد (۱۴۱۹). میزان الحکمه. بیروت: دار الحدیث.
 ۱۵. سیف، علی اکبر (۱۳۷۲). اندازه گیری ارزشیابی پیشرفت تحصیلی. تهران: آگاه.
 ۱۶. شرفی، محمدرضا (۱۳۷۶). مراحل رشد و تحول. تهران: سازمان چاپ و انتشارات تهران.
 ۱۷. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
 ۱۸. عضدانلو، حمید (۱۳۸۸). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی. تهران: نشر نی.
 ۱۹. عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
 ۲۰. فقیهی، علی نقی (۱۴۲۹). تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث. قم: دار الحدیث.
 ۲۱. متقی فر، غلامرضا (۱۳۸۹). درآمدی بر نظام اخلاق جنسی در اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
 ۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۴). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۲۳. مطهری، محمدرضا (۱۳۷۹). آموزش محرم و نامحرم به کودکان و نوجوانان. نشریه پیام زن، شماره ۱۰۴، ۷۴-۷۶.
 ۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. قم: صدرا.
 ۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب.

